

دانشنامه جهان اسلام

س

پهسالار، میرزا حسین خان - سکوتوره

(۲۳)



زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۶

آنچه هجویری (ص ۲۸۴) از سرخرسی نقل کرده است، نشانه اعتدال سرخرسی در سلوک است، به نحوی که مخالفت اهل مدرسه را برنمی انگیزد. ابوسعید ابوالخیر* و بابوله احمدبن علی فلی میهنی (متوفی ۲۶۰) از شاگردان وی بودند. ابوسعید با اشراف سرخرسی به ریاضت و ذکر می پرداخت و هرگاه مشکل یا سؤالی برایش مطرح می شد از میهنه نا سرخس به دیدار محمدبن حسن می شتافت و پس از وفات سرخرسی، هنگام قبض، با زیارت مزارش فتوح و بسط می یافت. بابوله نیز پس از درگذشت سرخرسی، امامت خانقاه سرخس را برعهده گرفت (همان، ص ۲۵۰؛ محمدبن منور، بخش ۱، ص ۲۴-۲۷، ۳۲، ۴۲، ۵۰-۵۳، ۲۲۴، ۳۷۵، بخش ۲، تعلیقات شفیع کدکنی، ص ۶۹۰؛ ابوروح، ص ۴۴؛ عطار، ص ۸۱۶).

گفته شده که سرخرسی در حدود ۴۰۰ در سرخس وفات یافت (رفعت احمد، ج ۱، ص ۷۳؛ قس محمدبن منور، بخش ۲، همان تعلیقات، ص ۶۷۲ که در آن وفات وی در اواخر قرن چهارم ذکر شده است). سرخرسی از مریدان خود خواسته بود که وی را در بین خراباتیان و گناهکاران به خاک بسپارند (عطار، ص ۸۱۸).

منابع: لطف‌الله بن ابی سعید ابوروح، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، چاپ محمدرضا شفیع کدکنی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، نفحات الانس، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ رفعت احمد، لغات تاریخی و جغرافیه، استانبول ۱۲۹۹-۱۳۰۰؛ محمدبن ابراهیم عطار، تذکرة الاولیاء، چاپ محمد استعلامی، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمدبن منور، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، چاپ محمدرضا شفیع کدکنی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ احمدبن محمد میدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۶۱ ش؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۸۳ ش.

/ سیده فاطمه زارع حسینی /

سرخرسی، ابوبکر ← ابوسعید ابوالخیر

سرخرسی، احمدبن طیب، فیلسوف و عالم جامع قرن سوم. در بیشتر تذکرها نام او احمدبن طیب ضبط شده است (← حمزه اصفهانی، ص ۱۲۹؛ صوان‌الحکمة، ص ۲۹۷؛ ابن ابی اُصیبه، ج ۱، ص ۲۱۴). برخی از تذکرها نیز نام کامل او را احمدبن محمدبن مروان بن طیب یا احمدبن طیب بن مروان آورده‌اند (← مسعودی، ج ۵، ص ۱۶۱؛ قفطی، ص ۷۷؛ ابن عبری، ص ۱۵۳). بعضی از تذکرها نویسان «طیب» را لقب پدر سرخرسی دانسته‌اند (← ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۴۸۹).

پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۶ ش؛ بدرالدین محمدبن بهرام فلاسی، اقربا ذین الفلاسی، چاپ محمدزهر الیابا، حلب ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ احمد قهرمان، کوروموفیت‌های ایران: سیستماتیک گیاهی، ج ۱، تهران ۱۳۷۳ ش؛ احمد قهرمان و احمد رضا اخوت، تطبیق نامهای کهن گیاهان دارویی با نامهای علمی، تهران ۱۳۸۳ ش. - حسن کریمی نیمجانی، تاریخ و انکوه: به مرکزیت تیممجان، تهران ۱۳۸۲ ش؛ ف. لاقون و یاسنت لویی واپیتو، صنعت نوغان در ایران، ترجمه جعفر خدای زاده، تهران ۱۳۷۲ ش؛ محمدماجد مردوخ روحانی، فرهنگ دانشگاه کردستان: فارسی - کردی، سنندج ۱۳۸۵-۱۳۸۷ ش؛ ولی‌الله مظفریان، فرهنگ نامهای گیاهان ایران: لاتینی، انگلیسی، فارسی، تهران ۱۳۷۵ ش؛ محمداعظم ناظم جهان، کتاب اسماء الادویه، چاپ انست تهران مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، [بی تا]؛ محمداقبر نجف‌زاده بارفروش، واژه‌نامه سازندگانی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی، تهران ۱۳۵۵ ش؛

Pedanius Dioscorides, *The Greek herbal of Dioscorides*, tr. John Goodyer, 1655, ed. Robert T. Gunther, Oxford 1934; Ahmad Parsa, *Flora of Iran*, vol. 1, Tehran 1978; Plinius/ Pliny [the Elder], *Natural history*, vol. 7, with an English translations by W. H. S. Jones, Cambridge, Mass. 1966; Hyacinth Louis Rabino, *Les provinces caspiennes de la Perse: le Gûlân*, Paris 1917; J. L. Schlimmer, *Terminologie médico-pharmaceutique et anthropologique: française-persane*, litho. ed., Tehran 1874, typo. repr. 1970; Theophrastus, *Enquiry into plants and minor works on odours and weather sings*, [Greek text], with an English translation by Sir, Arthur Hort, London 1948-1949.

/ سارا فرض پور ماجیانی /

سرخرسی، ابوالفضل محمدبن حسن، از عرفای قرن چهارم. از زندگانی و مراحل تعلیم و تعلم و سیروسلوک وی اطلاعی در دست نیست. همینقدر می دانیم که او در سرخس می زیسته و از مریدان ابونصر سراج طوسی* (متوفی ۲۷۸) بوده است (← محمدبن منور، بخش ۱، ص ۲۶؛ ابوروح، ص ۳۹؛ جامی، ص ۲۹۰).

بنابر حکایتی، سرخرسی هفتصد بیان در تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده، یُجِئُهُمْ و یُجِئُوهُ، برای ابوسعید ابوالخیر ذکر کرده (← عطار، ص ۸۱۷)، که مؤید تسلط سرخرسی بر علوم و معارف قرآنی است. میدی (ج ۵، ص ۲۰۶) حکایتی مبنی بر حضور سرخرسی در مجلس سماع آورده است. اینکه ابوعلی زاهرین احمد فقیه، ابوسعید را به حضور در مجلس صوفیانه سرخرسی تشویق می کرد (ابوروح، ص ۴۱) و نیز